

«فرهیختگان» حذف یک بند از طرح مهریه را بررسی می‌کند

مقاومت شکننده صحن در برابر رادیکال‌ها



فاطمه قدیری خبرنگار گروه جامعه

در هفته جاری، بحث اصلاح قوانین خانواده مجدداً به صدر اخبار مجلس بازگشته و «مهریه» بار دیگر به کانون یک مناقشه حقوقی – اجتماعی تبدیل شده است؛ مناقشهای که در هشت ماه گذشته از یکسو با هدف کاهش تنش های قضایی و پرونده‌های محکومیت مالی پیگیری می‌شود و از سوی دیگر، نگرانی‌های جدی درباره توازن حقوق زن و مرد و آینده نهاد خانواده را برانگیخته است. البته آنچه این روزها در بهارستان می‌گذرد، صرفاً یک اصلاح فنی در چند ماده قانونی نیست، بلکه بازتعریف بخشی از مناسبات حقوقی در زندگی مشترک است؛ بازتعریفی که پیامدهای آن، فراتر از متن قانون، در واقعیت اجتماعی خود را نشان خواهد داد. ماده ۵ طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون مدنی یکی از پرچالش‌ترین مواد این طرح بود که طی هفته‌های گذشته واکنش بخشی از جامعه حقوقدانان، روحانیون و فعالان حوزه زنان را برانگیخت. در این ماده به این مسئله اشاره شده بود که حق حبس زوج، در صورتی که اعصار زوج پذیرفته شود و یا مهریه تقسیط شود و اولین قسط پرداخت شود و یا در دعوی تمکین، زوج به حق حبس خود استناد کند و دادگاه بخشی از مهریه را تعیین نموده و زوج آن را پرداخت نماید، ساقط می‌شود.

از نظر گروه مخالف وجود حق حبس زوج در برابر تعهد مالی زوج، یکی از نکات مثبت فقه پواید در حمایت از حقوق زن و بیانگر اهمیت شریعت به جایگاه و حقوق زن محسوب می‌شد؛ درحالی‌که در تبصره این ماده تلاش شده بود که با اولین قسسط این حق زوج را ساقط کند و هیچ تنبیری در صورت استتکاف مرد در پرداخت اقساط بعد ازندیشیده نشده بود.

با این حال، آنچه در جریان بررسی ماده ۵ در صحن علنی مجلس رخ داد، نشان داد که مجلس در برابر نقدهای کارشناسی و دغدغه‌های مطرح‌شده از سوی بدنه حقوقی و اجتماعی کشور، رویکردی متعطف و اصلاح‌پذیر دارد. نمایندگان مجلس، دقیقاً بر نقطه‌ای دستست گذاشتند که محل اصلی اعتراض منتقدان بود؛ یعنی سقوط حق حبس زوج در صورت پذیرش اعصار زوج یا تقسیط مهریه. حذف این بخش از ماده، به‌روشنی بیانگر آن است که مجلس حاضر نشد یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی حقوق زن در فقه و قانون مدنی را قربانی سادسازی فرایند‌های قضایی کند.

مخالفت نمایندگان با ساقط‌شدن حق حبس زوج در صورت تقسیط مهریه، عملاً این پیام را مخابره کرد که قانون‌گذار، ضمن توجه به واقعیت‌های اقتصادی و افزایش پرونده‌های محکومیت مالی، حاضر نیست توازن حقوقی میان زوجین را بر هم بزند یا حق شرعی و قانونی زن را به صرف پذیرش اعصار زوج بی‌اثر کند. این تصمیم را می‌توان یکی از مهم‌ترین عقب‌نشینی‌های اصلاحی مجلس در برابر نگرانی‌های جامعه دانست؛ عقب‌نشینی‌ای که نشان داد فرایند قانون‌گذاری در این حوزه، نه شتاب‌زده و یک‌سویه، بلکه مبتنی بر شنیدن صداهای منتقد و اعمال اصلاحات هدفمند است.

در نهایت، مجلس با حفظ اصل ماده ۵ و اصلاح متن ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، کوشید میان شفاف‌سازی مفاهیم حقوقی و صیانت از حقوق زوج تعادل برقرار کند. تغییر عبارت کلی «از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد» به «تمکین خاص»، از نگاه موافقان، تلاشی برای جلوگیری از تفسیرهای گسترده و بعضاً متعارض در رویه قضایی است.

البته با وجود رویکرد اصلاحی در ماده ۵، بخش‌هایی دیگر از این طرح، به‌ویژه ماده ۷، همچنان محل بحث و نگرانی برخی کارشناسان، نمایندگان و حقوقدانان است. شروط پیش‌بینی‌شده در ماده ۷ برای طلاق زوج، از جمله الزام به بذل حقوق مالی یا شرط دو سال زندگی جداگانه، هنوز به‌عنوان نقاط مناقشه‌برانگیز باقی مانده و همین امر، ضرورت تداوم گفت‌وگوی کارشناسی میان مجلس، دولت و نخبگان حقوقی را دوچندان کرده است.

با این همه، آنچه در ماجرای ماده ۵ رخ داد، می‌تواند نشانه‌ای روشن از ظرفیت مجلس برای اصلاح مسیر، تعدیل تصمیمات و حرکت به سمت اجماع در یکی از حساس‌ترین حوزه‌های تقنینی کشور باشد؛ ظرفیتی که اگر در ادامه بررسی طرح نیز تداوم یابد، می‌تواند بخشی از نگرانی‌های موجود درباره آینده قانون مهریه و نهاد خانواده را کاهش دهد.

رئیس کارگروه زن و خانواده اندیشکده حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بررسی آخرین وضعیت طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون مدنی که به نام طرح مهریه نیز شناخته می‌شود پرداخت.

ماده ۵ خلاف صریح فقه پویا بود

اکبری درخصوص مصوبه اخیر مجلس تصریح کرد: «در فقه ما، زن می‌تواند تا زمانی که مهریه‌اش را ننگرفته، از تمکین خاص امتناع کند. در طرح دو بند اضافه کرده بودند که عملاً با اولین اقدام یا شرط برای پرداخت مهریه، حق حبس از بین برود. با حذف این دو بند حق حبس برمی‌گردد به همان وضعیت فعلی فقهی و قانونی؛ یعنی حق حبس زن پابرجاست تا زمانی که مهریه حال و عندالمطالبه‌اش را به‌طور کامل دریافت کند. البته حق حبس فقط مربوط به تمکین خاص است، نه تمکین عام. این دقیقاً همان چیزی است که در فقه ما هم آمده و مشکلی ندارد.

اما آن شروط اضافه‌شده، خلاف صریح فقه است و به همین دلیل این طرح حتی اگر به شورای نگهبان می‌رفت، رد می‌شد.»

«اما نکته مهم‌تر این استست که عموم جامعه از این حقوق آگاهی ندارند. فکر می‌کنید چند درصد دختران ما می‌دانند چیزی به نام «حق حبس» وجود دارد؟ سوال این است چرا چیزی که مردم از آن اطلاعی ندارند و حتی برایشان مسئله نشده را وسط می‌آورید و روی آن مانور می‌دهید؟ عموماً دختری که ازدواج می‌کند، اصل ذهنیتش این است که زندگی مشترک را شروع کند؛ اصلاً به این فکر نمی‌کند که حق حبس چیست و چه کاربردی دارد. حالا شما می‌آیید با تغییر این مفاهیم، حتی در مواردی به ضرر خود زنان، یک موضوع جنجالی درست می‌کنید که پتانسیل التهاب اجتماعی بالایی دارد.»

«ما در سال‌های اخیر دیده‌ام که برخی مسائل و محورها چقدر می‌تواند جامعه را دچار تنش کند. به نظر می‌رسد دوباره دست‌های پشت‌پرده، آگاهانه روی نقطه حساس گذاشته‌اند؛ آن هم بدون هیچ ضرورت واقعی. شما اگر واقعاً دغدغه داشتید، می‌توانستید خیلی ساده و آرام، مثلاً همان ضمانت‌های قبلی قانون را با یک اصلاح جزئی تکمیل کنید؛ نه اینکه با یک مداخله پرسر و صدا، کل جامعه را ملتهب کنید.»

سلیقه قضایی، چالش اصلی ماده ۱۱۳ است

با وجود اصلاح ماده ۵ و همراهی مجلس با نقدهای کارشناسی درباره حق حبس زوج، همه دغدغه‌ها نسبت به این طرح برطرف نشده است. هرچند مجلس در یکی از پرچالش‌ترین مواد، نشان داد که در برابر ایرادات فقهی و حقوقی رویکردی شنوا و اصلاح‌پذیر دارد؛ اما به اعتقاد کارشناسان، ماده ۷ همچنان نیازمند بازنگری جدی است. این ماده که به حوزه طلاق قضایی و عسر و حرج گره خورده، زنان را به بذل کلیه حقوق مالی و زوجین را به ۲ سال بلا تکلیفی مجبور می‌کند که از منظر برخی حقوقدانان با ابهامات فقهی و خطر تشدید رویه‌های سلیقه‌ای در دادگاه‌های خانواده همراه است. منتقدان امیدوارند همان‌گونه که در ماده ۵ مسیر اصلاح برگزیده شد، در قبال ماده ۷ نیز تصمیمی دقیق‌تر و غیرشتاب‌زده اتخاذ شود؛ تصمیمی که پیش از هر چیز، منافع نهاد خانواده را در نظر بگیرد. اکبری نیز با تأکید بر اینکه یکی از بیشترین دغدغه‌های ما درباره ماده ۷ این طرح بود، تصریح کرد: «این ماده را ذیل ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی (طلاق عسر و حرج، طلاق قضایی) صبراً کرده‌اند. ماده ۱۱۳۰ در ابتدا توسط شورای نگهبان رد شده بود و بعد مجمع تشخیص مصلحت آن را تصویب کرد. در واقع ما چیزی به نام «طلاق عسر و حرج» را با این شکل در ققمان نداریم. طلاق در فقه ما یا طلاق رجعی است یا طلاق بائن، حتی طلاق توافقی نیز با وجود اینکه در کشور در حال اجراست هنوز مبنای فقهی و حقوقی دقیقی ندارد. موارد عسر و حرج در قانون آمده، موارد تمثیلی است (یعنی می‌توان موارد دیگری هم به موارد موجود در قانون اضافه کرد)، پس درمحل، در دادگاه‌های ما تا حدی سلیقه‌ای با این موضوع در برخورد می‌شود، مثلاً شما یک پرونده دارید که اگر آن را در یک شعبه خاص ببرید، حکم نمی‌گیرید و عسر و حرج ثابت نمی‌شود؛ اما همان پرونده را اگر به شعبه دیگری ببرید، به‌راحتی حکم می‌گیرید، یعنی کاملاً سلیقه‌ای است؛ یک قاضی یک مورد را عسر و حرج می‌داند و قاضی دیگر همان را نمی‌داند.»

اضافه شدن شرط دوسال ترک منزل طلاق خلع را پیچیده می‌کند

اکبری با بیان اینکه سؤال ما از قانون‌گذار این است که ما داریم از عسر و حرج حرف می‌زنیم؛ اما چیزی که شما می‌گویید اثبات کراهت است، ادعان داشت: «ما در فقهمان نهادی داریم به نام طلاق خلع؛ در فقه زن از شوهر کراهت دارد. کراهت، یعنی چه؟ یعنی ممکن است مرد آدم خوبی باشد، معتاد نباشد، نفقه را بدهد، تخلفی نه نداشته باشد؛ اما زن به دلایلی میل باطنی به ادامه زندگی با او ندارد. این مفهوم کراهت در منابع فقهی ما به‌صراحت وجود دارد. در فقه، برای چنین موردی نهادی پیش‌بینی شده به نام طلاق خلع که زن می‌تواند کمتر از مهریه، معادل مهریه یا حتی به درخواست شوهر، بیشتر از مهریه را به مرد بدهد و طلاق بگیرد. این کاملاً در فقه پیش‌بینی شده است؛ اما چیزی که الان در این طرح آمده، خودش می‌گوید ذیل ماده ۱۱۳۰، یعنی عسر و حرج. در حالی که کراهت لزوماً عسر و حرج نیست. کراهت یعنی زن نمی‌خواهد با مرد زندگی کند، نه اینکه الزاماً شرایط سخت و غیرقابل تحملی وجود داشته باشد. بنابراین سؤال اول از قانون‌گذار این است که چرا این را ذیل ماده ۱۱۳۰ آورده‌اید؟ یعنی دارید می‌گویید کراهت، به‌شروط اینکه زن دوسال ترک منزل کند، از موارد عسر و حرج محسوب می‌شود و به‌عنوان یک مورد جدید به ماده ۱۱۳۰ اضافه می‌کنید. آیا این ابهام ندارد یا ندارد؟ آیا این در واقع همان طلاق خلع فقهی نیست که شما فقط دوشرط به آن اضافه کرده‌اید؟ یکی اینکه زن دوسال ترک منزل کند و دوم اینکه تمام حقوق مالی اش را ببخشد. در حالی که در فقه، موضوع معمولاً مهریه است، اما اینجا گفته شده «تمام حقوق مالی»، یعنی نه فقط مهریه، بلکه محله و اجاره‌المثل را باید ببخشیده شود. حق من این است که قانون‌گذار چون می‌دانست اگر این موضوع را تحت عنوان طلاق خلع مطرح کند، از نظر فقهی به مشکل برمی‌خورد، آن را ذیل ماده ۱۱۳۰ تعریف کرده تا از نظر فقهی دچار اشکال نشود؛ و درست از این جهت ایراد دارد که جایگاهش دقیقاً مشخص نیست.»

آگهی مزایده عمومی

دستگاه مزایده‌گذار: دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران
موضوع مزایده: بخش تصویربرداری بیمارستان حضرت امیرالمؤمنین (ع)
مبلغ سپرده: مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱۵۰ ریال به صورت واریز فیش نقدی یا ضمانت‌نامه معتبربانکی
مهلت مراجعه برای اطلاع از شرایط مزایده و بازبینی محل: از تاریخ انتشار لغایت ۱۴۰۲/۱۰/۱۶ (در روزهای اداری به مدت ده روز کاری) از ساعت ۸ الی ۱۵
محل دریافت اسناد مزایده: تهران، نازی‌آباد، انتهای خیابان شهید شیر محمدی، رویروی پارک سردار جنگل، بیمارستان امیرالمؤمنین (ع)، ساختمان شماره یک، طبقه اول، واحد امور قراردادها
مدارک لازم جهت دریافت اسناد مزایده: ارائه مدارک شناسایی متقاضی، ارائه فیش واریزی به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب ۰۱۱۷۹۹۲۱۲۱۰۰۶ نزد بانک ملی که ۶۶۳ به نام بیمارستان امیرالمؤمنین (ع) (غیرقابل استرداد)
مهلت ارائه پاکات: تا پایان وقت اداری روز ۱۴۰۲/۱۰/۱۶
دانشگاه در یاقبول همه پیشنهادات مختار بوده و هزینه آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

صدای نخبگان، نگاه جوانان

WWW.FDN.IR

روزنامه فرهیختگان

farhikhteganonline

FARHIKHTEGAN

ترک منزل

زنان را در معرض آسیب اجتماعی قرار می‌دهد

رئیس کارگروه زن و خانواده اندیشکده حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس با اشاره به تبعات و آسیب‌های اجتماعی این ماده گفت: «مشکل جدی این ماده این استست که می‌گوید زن شوهردار باید دوسال ترک منزل کند. این را از کجا آورده‌اید؟ چطور به ذهن قانون‌گذار می‌رسد که یک زن متأهل، دوسال از خانه شوهرش بیرون بیاید؟ این هیچ توجیه منطقی و اجتماعی ندارد. الان ما زنانی را داریم که در خانه شوهرشان زندگی می‌کنند، اما مرکب خیانت می‌شوند؛ حالا شما می‌خواهید به‌صورت قانونی این زن را از خانه شوهر بیرون بکشید. اولاً این خاتم کجا باید برود؟ خانه پدر و مادرش؟ اگر داشته باشد، جایگاهش دیگر مثل دوران مجردی نیست؛ اگر هم نداشته باشد، که تکلیفش کاملاً نامعلوم است. کجا باید زندگی کند؟ نکته مهم‌تر اینکه از یک طرف به او می‌گویید باید دوسال ترک منزل کنی، از طرف دیگر هم می‌گوید هنگام طلاق هیچ حق مالی نداری، یعنی در این دوسالی که ترک منزل کرده‌ای، هیچ‌پشتوانه مالی هم نداری. خب این زن چه کار باید بکند؟ چطور باید زندگی‌اش را بگذراند؟ نتیجه طبیعی چنین وضعیتی، افزایش آسیب‌های اجتماعی است. آمار فحشا، به‌ویژه در حوزه زنان، به‌شدت افزایش پیدا می‌کند و این واقعاً نگران‌کننده است. از طرف دیگر، بجای‌که در خانه زندگی می‌کند چه می‌شود؟ این زن هنوز مادر آن خانه است. تکلیف کودک چیست؟ شما به مادر می‌گویید دوسال از خانه برو بیرون؛ این بچه چه می‌شود؟ جالب‌تر اینکه حتی می‌گوید اگر قبلاً هم زن از خانه بیرون بوده، باز هم میدا محاسبه دوسال، زمان تقدیم دادخواست است، یعنی عملاً دارد «آموزش» می‌دهد؛ به دختر ما می‌گوید اگر می‌خواهی طلاق بگیری و درگیر پروسه طولانی دادگاه نشوی، دوسال از خانه شوهرت برو بیرون، من راحت طلاق می‌دهم، شما بدون اینکه تبعات اجتماعی کار را ببینید، دارید سیلی از زنان را از خانه شوهر بیرون می‌کشید؛ درحالی که قانون‌گذار باید همه این آسیب‌ها را لحاظ کند.»

نبود نگاه سیستمی

«خانواده» را در معرض بحران قرار می‌دهد

وی در ادامه با اشاره به اینکه مشکل قانون‌گذار ما این است که نگاه سیستمی ندارد، افزود: «یک‌بار برای حفظ حقوق زنان قانون می‌گذرانند و حقوق مردان و بچه‌ها نادیده گرفته می‌شود، یک‌بار برعکس. در حالی که خانواده یک مجموعه است، اگر قرار است قانونی وضع شود باید حقوق همه این اعضا با هم دیده‌شود تا نهاد خانواده محکم و پایدار بماند، نه اینکه فقط حقوق یک نفر دیده نشود. اگر زن واقعاً نمی‌خواهد با شوهرش زندگی کند، طبق فقه، طلاق خلع بدهید؛ مهریه‌اش را می‌بخشد و می‌رود، باید بتواند با فرد دیگری ازدواج کند و زندگی سالمی تشکیل دهد. اما راهکاری که شما گذاشته‌اید، چقدر اختلاط، آسیب اخلاقی و اجتماعی ایجاد می‌کند؟ در دینی که این همه بر سلامت نسل و جامعه تأکید دارد، چطور می‌پذیریم زنی که دوسال بدون خایه، بدون شوهر و بدون حق مالی در جامعه رها شود؟ زندگی هزینه دارد. زن باید جایی برای زندگی داشته باشد، خرج دارد، قرار است کجا برود؟ ذیل چه پناهی زندگی کند؟ این‌ها سؤالات جدی است که متأسفانه در این ماده هیچ پاسخی برایشان دیده نشده است. همین الان هم نمی‌توانیم بگوییم آثار و تبعاتی که این قانون در ۱۰ سال آینده ایجاد می‌کند چیست؛ با این قانون‌گذار باید همه این‌ها را با هم ببیند و بعد قانون‌گذاری کند. من فکر می‌کنم آن نگاه سیستمی و کل نگرانه‌ای که باید در قانون وجود داشته باشد، در این ماده اصلاً وجود ندارد.»

کاهش حمایت قانونی

زنان را به کار در خارج منزل سوق می‌دهد

اکبری با اشاره به این موضوع که به‌جای قانون‌گذاری‌های جدید، باید رویه دادگاه‌ها را اصلاح کرد، گفت: «می‌توانیم آیین‌نامه جامعی بنویسیم و به قضات ابلاغ کنیم که این موارد، موارد عسر و حرج است. در قانون شش یا هفت مورد آمده؛ می‌شود ۲۰ یا ۳۰ مورد دیگر را متناسب با شرایط امروز جامعه اضافه کرد و به‌صورت آیین‌نامه به همه قضات ابلاغ کرد. اما به‌جای این کار، مدام قانون‌گذاری می‌کنیم و اوضاع بدتر می‌شود. الان زن در جامعه حس می‌کند هیچ حمایت اقتصادی از او وجود ندارد. همین بحث ۱۴ سکه را ببینید. نگاه سنتی برخی بزرگواران در مجلس این است که زن نباید وارد اجتماع شود، باید در خانه بماند، خانه‌داری و بچه‌داری کند؛ اما از آن طرف، حمایت قانونی را هم کم می‌کنید. می‌گویید مهریه تا ۱۴ سکه؛ تازه همان هم اگر تقسیط شود، سالی یک‌برع سکه یا نهایتاً سالی نیم‌سکه است. با این وضعیت، زندگی زن چگونه می‌چرخد؟ قانون‌گذار با این قانون عملاً به زن می‌گوید که باید وارد اجتماع شوی، کار کنی، آینده شغلی و مالی‌ات را خودت تأمین کنی، چون قانون دیگر از تو حمایت نمی‌کند. البته ما اصلاً در فقه یک بحث جدی داریم درباره اینکه حاکمیت تا چه حد می‌تواند در نهاد خانواده مداخله کند. به نظر من، اینجا قانون‌گذار بدون توجه به این حدود و بدون نگاه کل نگر، وارد حوزه‌ای شده که نتیجه‌اش نه حفظ خانواده است، نه حمایت واقعی از زن، نه تأمین حقوق کودک، اگر پیامبر می‌خواست حد و سقفی برای این حمایت بگذارد، همانجا می‌گذاشت و نمی‌گفت مهریه توافق زوجین است و روی عقل دختر و پسر حساب نمی‌کرد. اگر عقل دختر و پسر به

آگهی مزایده عمومی

دستگاه مزایده‌گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

موضوع مزایده: اجاره محل استقرار کانکس سیار جهت فروش نان فانتزی

مهلت مراجعه برای اطلاع از شرایط مزایده و دریافت اسناد:

از تاریخ درج آگهی به مدت ده روز (از ساعت ۹- صبح لغایت ۱۳/۰۰)

زمان و محل دریافت اسناد: تهران – غرب به شرق بزرگراه شهید بابایی

– خروجی حکیمیه – خیابان شهید صدوقی – بلوار وفادار – دانشگاه آزاد

اسلامی واحد تهران شمال
دانشکده علوم انسانی طبقه پنجم- معاونت

توسعه مدیریت و منابع – تلفن ۰۴۸۰۰ الی ۷۷۰۰۹۸۰۰ داخلی ۱۴۶۲ (آقای فولادلو)

–شرکت در مزایده به منزله پذیرفتن اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار و قبولی کلیه شرایط آیین‌نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد.

مهلت ارائه پاکات: ۱۰ روز کاری از زمان چاپ آگهی

مدارک لازم جهت دریافت اسناد مزایده: ارائه معرفی‌نامه یا کارت

شناسایی متقاضی و فیش واریزی به مبلغ -/۰۰۰/۰۰۰/۲۱۰ ریال به حساب

۰۲۸۷۰۱۶۱۰۱۷۷۰ بانک تجارت به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

شمال (غیرقابل استرداد)

دانشگاه در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است. پرداخت هزینه

آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

این نرسیده که به اندازه جیششان مهریه تعیین کنند، این افراد اساساً به بلوغ عقلی لازم برای ازدواج نرسیده‌اند.»

طرح مهریه

بدون تصویب هم جامعه و املتهب کرده‌است

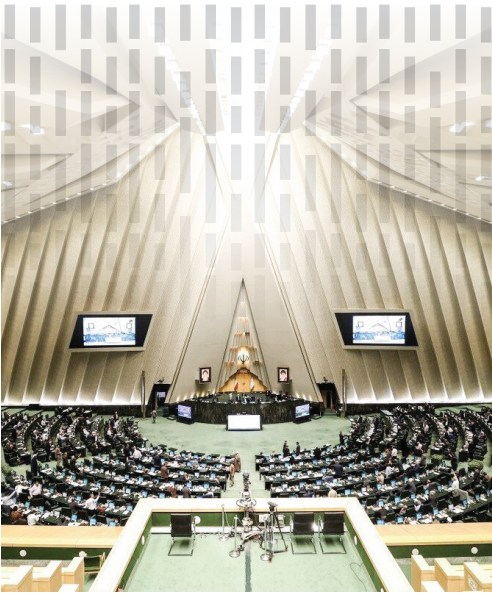
رئیس کارگروه زن و خانواده اندیشکده حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس با عقیده بر اینکه وقتی ما به جای فرهنگ‌سازی، مدام سراغ قانون‌گذاری می‌رویم، حاکمیت مجبور می‌شود هر بار بیشتر در خانواده مداخله کند، تصریح کرد: «در حالی که ما در فقه، موانع جدی برای دخالت حاکمیت در نهاد خانواده داریم، هر مداخله حاکمیت و هر دستکاری در این نهاد سنتی، تبعات بسیار سنگینی خواهد داشت. ما از روز اول هم حرف‌مان این بود که اگر می‌خواهید حبس‌زدایی کنید، بکنید؛ اتفاقاً کار درستی است. ماده ۷۱ هیچ مشکلی ندارد؛ اما بیابید به‌جای زندان، نهادهای جایگزین مانند بیمه مهریه، وام مهریه، صندوق ضمانت تعریف کنید. الان شما برای گرفتن یک وام ساده کلی اعتبارسنجی می‌شوید؛ اما برای مهریه هیچ اعتبارسنجی‌ای وجود ندارد. چرا بررسی نمی‌شود که این آقا وقتی می‌گوید مهریه همسرم مثلاً سکه است، واقعاً توان پرداخت آن را دارد یا نه؟ ما نمی‌خواهیم دخالت افراطی کنیم؛ اما می‌شود کارهای منطقی و زیرساختی انجام داد، نه اینکه مدام قانون‌گذاری کنیم. همین طرح، صرف مطرح شدنش، تبعات اجتماعی ایجاد کرده است. از اردیبهشت‌ماه که این بحث مطرح شد، شبکه‌های زرد به‌شدت به آن زدن داشت. همه جا پیچید که «مهریه شد ۱۴ سکه». شما نمی‌دانید چه صف‌هایی در دادگاه خانواده تشکیل شد. زن‌هایی آمدند که فقط برای مطالبه مهریه اقدام کرده بودند، چون فکر می‌کردند دیگر قانون تصویب شده و بعداً حمایت از مهریه از بین می‌رود و از آن طرف، در فرهنگ ما مطالبه مهریه یک پیام روشن دارد، یعنی زن می‌گوید دیگر نمی‌خواهم با تو زندگی کنم. وقتی کار به مطالبه مهریه می‌رسد، شوهر هم برداشتش این است که این زندگی تمام شده و معمولاً بعدش طلاق هم اتفاق می‌افتد. فقط اسم بردن از یک قانون چه تبعاتی در جامعه ایجاد می‌کند. این قانون از اردیبهشت تا الان فقط اسمش آمده، هنوز تصویب هم نشده؛ اما تب‌وتابش جامعه را به‌هم ریخته است.»

ادبیات قانونی

خانواده را به رابطه طلبکارو بد هکار تبدیل کرده‌است

وی با بیان اینکه اولویت با کاملاً جابه‌جا شده است، گفت: «ما لایحه مهمی مثل «لایحه حفظ کرامت» را داریم که اگر تصویب شود، واقعاً یک جهش جدی اتفاق می‌افتد؛ اما این لایحه ۱۳ سال است که در مجلس معطل مانده. در مقابل، موضوعی که اساساً اولویت ندارد، به جامعه تزریق می‌شود. گاهی به‌منظر می‌رسد در حوزه زنان، یک دست پنهان یا یک سازوکار پشت‌پرده وجود دارد که نمی‌گذارد اولویت‌های واقعی این حوزه دیده نشود و مدام دوست دارد فضای زنان را ملتهب و پر‌تپ‌وتاب نگه دارد.

فرضاً قانون‌گذار نهاد خانواده را می‌دید، از همان ابتدای قانون نمی‌آمد از تعبیری مثل «محکوم‌له» و «محکوم‌علیه» استفاده کند. زن و شوهر محکوم‌له و محکوم‌علیه نیستند؛ آن‌ها دو نفری هستند که زیر یک سقف زندگی می‌کنند. اگر همین مداخلات افراطی ما نباشد، خیلی وقت‌ها آرام و عادی زندگی‌شان را می‌کنند، این ما هستیم که با دخالت‌های مکرر، این نهاد را به یک رابطه کاملاً دعوائی و قضایی تبدیل می‌کنیم. درست است که مهریه از نظر حقوقی «ذین» محسوب می‌شود، اما آیا واقعاً مهریه مثل بقیه ذین است؟ آیا می‌شود رابطه زن و شوهر را با همان ادبیاتی توصیف کرد که رابطه طلبکار و بدهکار را؟ همین واژه‌هایی که قانون‌گذار به کار می‌برد، نشان می‌دهد که نهاد خانواده به‌درستی دیده نشده‌است. اگر خانواده واقعاً محور قانون‌گذاری بود، ادبیات قانون هم ادبیات حل اختلاف، ترمیم رابطه و حفظ بنیان خانواده می‌بود، نه ادبیات دعوا، محکومیت و تقابل.»



آگهی مزایده عمومی

دستگاه مزایده‌گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

موضوع مزایده: فروش کاغذباطله

مهلت مراجعه برای اطلاع از شرایط مزایده و دریافت اسناد:

از تاریخ درج آگهی به مدت ده روز (از ساعت ۹/ صبح لغایت ۱۳/۰۰)

زمان و محل دریافت اسناد: تهران – غرب به شرق بزرگراه شهید بابایی

– خروجی حکیمیه – خیابان شهید صدوقی – بلوار وفادار – دانشگاه آزاد

اسلامی واحد تهران شمال
دانشکده علوم انسانی طبقه پنجم- معاونت

توسعه مدیریت و منابع – تلفن ۰۴۸۰۰ الی ۷۷۰۰۹۸۰۰ داخلی ۱۴۶۲ (آقای فولادلو)

–شرکت در مزایده به منزله پذیرفتن اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار و قبولی کلیه شرایط آیین‌نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد.

مهلت ارائه پاکات: ۱۰ روز کاری از زمان چاپ آگهی

مدارک لازم جهت دریافت اسناد مزایده: ارائه معرفی‌نامه یا کارت

شناسایی متقاضی و فیش واریزی به مبلغ -/۰۰۰/۰۰۰/۲۰۰ ریال به حساب

۰۲۸۷۰۱۶۱۰۱۷۷۰ بانک تجارت به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

شمال (غیرقابل استرداد)

دانشگاه در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است. پرداخت هزینه

آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.